

نامه دوم پولس رسول به قرنتیان

مقدمه

این نامه را پولس زمانی نوشت که رابطه اش با کلیسای شهر قرنتس تحت فشار قرار گرفته بود. بعضی در آنجا مخالفت شدید خویش را با وی آشکارا ابراز می کردند. اما او در این نامه اشتیاق عمیق خویش را برای بهبود روابط با ایشان نشان می دهد و ایجاد چنین رابطه، باعث خوشی بزرگ برای پولس می گردد.

پولس در قسمت اول نامه، رابطه خویش را با کلیسای قرنتس توضیح داده و بیان می دارد که چرا با چنین جدیت به ایشان جواب داده و آنها را سرزنش کرده است. پولس همچنان خوشی خویش را اظهار می دارد که این کار او باعث توبه و آشتی در آنها شده است. بعد از همه اعضای کلیسای شهر قرنتس تقاضا می کند که ایمانداران نیازمند را در ولایت یهودیه به شکل سخاوتمندانه کمک نمایند. پولس در بخش آخر نامه خویش در مقابل یک تعداد اشخاصی از خود دفاع می کند که در شهر قرنتس خود را من حیث رسولان برحق دانسته و بر شخص او اتهام ناحق می بستند.

از متن گفته های پولس در این نامه به خصوصیات شخصیت او پی برده و صداقت او را در زندگی شخصی و در خدمت به عیسای مسیح به وضاحت مشاهده می کنیم.

فهرست موضوعات

پیشگفتار: فصل ۱:۱ - ۱۱

پولس رسول و کلیسای قرنتس: فصل ۱۲:۱ - ۱۶:۷

کمک مالی برای ایمانداران مقیم ایالت یهودیه: فصل ۸ - ۹

دفاع پوئس رسول از رسالت خویش: فصل ۱۰:۱۰ - ۱۰:۱۳

آخرین هُشدارها و سلامها: فصل ۱۱:۱۳ - ۱۴

۱ این نامه از طرف پوئس که به ارادهٔ خدا، رسول عیسیای مسیح است و از طرف برادر ما تیموتاوس به کلیسای خدا در شهر قرنُتس و همهٔ ایمانداران مقیم جنوب یونان نوشته شده است. ۲ فیض و سلامتی از طرف پدرآسمانی ما خدا و سرور ما عیسیای مسیح به شما باد.

شکرگزاری پوئس از خدا

۳ سپاس بر خدا، پدر سرور ما عیسیای مسیح که پدر رحمتها و خدای تسلی‌ها است. ۴ او ما را در تمام سختی‌ها آرامش می‌دهد تا بتوانیم کسانی را که در سختی‌ها گرفتار هستند، با همان آرامشی که از خدا دریافت نموده‌ایم، تسلی بخشیم. ۵ همان‌گونه که در رنجهای فراوان با مسیح شریک هستیم، از طریق مسیح در آرامش فراوان او نیز سهم می‌داشته باشیم. ۶ اگر در سختی‌ها هستیم، به‌خاطر تسلی و نجات شماست، و اگر تسلی یافته‌ایم، باز برای دلگرمی شماست، پس این باعث می‌شود تا شما نیز همان رنجهایی را که ما می‌کشیم با بردباری تحمل کنید. ۷ امید ما به شما پابرجاست، زیرا می‌دانیم چنان‌که در رنجهای ما شریک هستید، در آرامش ما نیز سهم خواهید بود.

۸ ای برادران و خواهران! نمی‌خواهیم از رنجهایی که در ولایت آسیا برای ما پیش آمد، بی‌خبر باشید. بارهایی که بر دوش ما گذاشته شد، آنقدر سنگین بود که امید خود را به زندگی از دست داده بودیم. ۹ احساس می‌کردیم که حکم مرگ ما صادر شده است. این به‌خاطری بود تا به توانایی خود تکیه نکرده بلکه به خدایی توکل کنیم که مُرده‌گان را زنده می‌سازد. ۱۰ خدا ما را از چنین خطر کُشنده نجات داد و کار نجات‌بخش او ادامه دارد. امید ما به اوست که ما را باز هم نجات خواهد داد. ۱۱ شما نیز باید با دعاهای تان ما را یاری کنید تا عدهٔ زیادی خدا را به‌خاطر فیضی که در نتیجهٔ دعای ایمانداران زیاد به ما بخشیده شده است، شکرگزاری کنند.

تغییر نقشه پوئس

^{۱۲} ما به این افتخار می‌کنیم و وجدان ما نیز شاهد است که در روابط خود با مردم این دنیا و به خصوص با شما با خلوص نیت و صداقت خدایی رفتار کرده‌ایم. ما به فیض خدا متکی بودیم نه به حکمت انسانی. ^{۱۳-۱۴} زیرا آنچه به شما می‌نویسیم درست همان است که می‌خوانید و می‌فهمید و امیدواریم همان طوری که ما را تا حدی می‌شناسید، این چیزها را نیز به طور کامل بفهمید تا در روز آمدن دوباره خداوند ما عیسای مسیح، چنان که ما به شما افتخار می‌کنیم، شما نیز به ما افتخار کنید.

^{۱۵} با همین اطمینان تصمیم گرفتم پیش از همه به دیدار شما بیایم تا دو چند برکت یابید. ^{۱۶} پس خواستم که هنگام رفتن به ولایت مقدونیه و هم در برگشت از آنجا با شما دیداری داشته باشم و در بازگشت با کمک شما، راه یهودیه را در پیش گیرم. ^{۱۷} آیا هنگام گرفتن این تصمیم دچار شک و تردید شده‌ام؟ آیا من هم در نقشه‌های خود مانند مردم این دنیا هم «بلی» و هم «نخیر» می‌گویم؟ ^{۱۸} همان گونه که سخنان خدا قابل اعتماد است، سخنان ما به شما نیز قابل اعتماد می‌باشد. ^{۱۹} زیرا سخنان پسر خدا یعنی عیسای مسیح، که من و سیلاس و تیموتاوس درباره او به شما موعظه کرده‌ایم، همزمان «بلی» و «نخیر» نبود بلکه سخن او همیشه مطابق با وعده خدا «بلی» بود. ^{۲۰} زیرا همه وعده‌های خدا به وسیله عیسای مسیح «بلی» و قابل اعتماد می‌باشند. از همین جهت در نام مسیح است که ما «آمین» گفته و خدا را جلال می‌دهیم. ^{۲۱} خدا خودش ما و شما را در اتحاد با مسیح قرار داده است و اوست که ما را برگزیده است. ^{۲۲} خدا مهربان مالکیت خود را بر ما گذاشت و روح مقدس خود را به عنوان ضامن همه برکت‌های آینده در دل‌های ما نهاد.

^{۲۳} خدا شاهد است که من به این دلیل از آمدن به شهر قرنتس صرف نظر کردم تا از سرزنش کردن شما جلوگیری نموده باشم. ^{۲۴} من نمی‌خواهم که حاکم بر ایمان شما باشم بلکه می‌خواهم با شما همکاری کنم تا به خوشی حقیقی برسید، زیرا شما در ایمان پایدار هستید.

۲^۱ من تصمیم گرفتم که دیگر نزد شما نیایم تا باعث رنجش شما نگردم.^۲ زیرا اگر شما را برنجانم، دیگر چه کسی می‌تواند موجب خوشی من شود، جز شما که باعث رنجش تان شده‌ام؟^۳ من از این سبب آن نامه را نوشتم تا در وقت آمدن من کسانی که باید مرا خوشحال کنند، مایهٔ رنجش من نشوند. اطمینان دارم که خوشی من همهٔ شما را نیز خوشحال خواهد ساخت.^۴ من آن نامه را با قلب بسیار غمگین و پریشان و با اشکهای فراوان به شما نوشتم. منظورم رنجاندن شما نبود بلکه می‌خواستم شما را از محبت خاصی که به شما دارم اطمینان دهم.

درخواست آمرزش برای یک گناهکار

۵ اگر کسی در میان شما باعث رنجش شده است، نه فقط مرا بلکه تا حدی همهٔ شما را نیز رنجانیده است. در این مورد نمی‌خواهم بیش از حد سختگیری کنم.^۶ همین که اکثریت تان او را تنبیه کردید، برای او کافی است.^۷ پس شما اکنون باید او را ببخشید و دلداری دهید تا مبادا غم و اندوه زیاد او را از پا بیندازد.^۸ من از شما خواهش می‌کنم که از محبت خود به او اطمینان دهید.^۹ به این سبب، من آن نامه را نوشتم تا شما را آزمایش کنم. من می‌خواستم ببینم که آیا در هر کاری از تعالیم من اطاعت می‌کنید یا نه؟^{۱۰} هرگاه شما کسی را ببخشید، من نیز او را می‌بخشم و حتی اگر لازم باشد که من هم او را ببخشم، باید بگویم که من او را در حضور مسیح و به خاطر شما بخشیده‌ام^{۱۱} تا مبادا شیطان از این فرصت استفاده کند و بر ما غالب شود، زیرا ما از نقشه‌های او بی‌خبر نیستیم.

پریشانی پولس در شهر تروآس

۱۲ وقتی به شهر تروآس رفتم که خبرخوش عیسی مسیح را اعلام کنم، خداوند فرصت خوبی برایم مساعد کرد.^{۱۳} اما وقتی برادرم تیطوس را در آنجا نیافتم، فکرم پریشان شد. پس از نزد آنها رخصت گرفتم و به ولایت مقدونیه رفتم.

در پیوسته‌گی با مسیح عطر زندگی بخش هستیم

^{۱۴} خدا را سپاس که ما را در اتحاد با مسیح، همیشه در صف پیروزمندان قرار می‌دهد و به وسیلهٔ ما معرفت مسیح را مانند عطر خوشبو در همه جا پخش می‌کند. ^{۱۵} زیرا ما مانند عطر خوشبویی هستیم که مسیح به خدا تقدیم می‌کند. بوی خوش آن هم بین نجات‌یافته‌گان و همچنین بین آنهایی که هلاک می‌گردند، پخش می‌گردد. ^{۱۶} این بو برای کسانی که به سوی هلاکت روانند، بویی است که مرگ را به دنبال دارد، ولی برای آنهایی که در راه نجات می‌روند، بوی زندگی بخش می‌باشد. پس کیست که لیاقت این کار را داشته باشد؟ ^{۱۷} ما با کلام خدا تجارت نمی‌کنیم، چنان‌که بسیاری می‌کنند، بلکه ما آن را با صمیمیت، مانند کسانی که از جانب خدا فرستاده شده‌اند، در حضور او و در پیوسته‌گی با عیسای مسیح بیان می‌کنیم.

خدمتگاران عهد جدید

^۳ آیا باز هم به خودستایی پرداخته‌ایم؟ آیا مانند دیگران از طرف شما و یا برای شما به کدام توصیه‌نامه ضرورت داریم؟ ^۲ شما خودتان توصیه‌نامهٔ ما هستید، نامه‌ای نوشته شده بر دل‌های ما که همه می‌توانند آن را بخوانند و بفهمند. ^۳ شما نشان داده‌اید همان نامه‌ای هستید که مسیح آن را نوشته و توسط ما به دیگران رسانیده است. این نامه با رنگ نوشته نشد بلکه با روح خدای زنده و نه بر روی تخته‌سنگها بلکه بر قلبهای انسانی نوشته شده است.

^۴ این را می‌گوییم زیرا چنین اطمینانی به وسیلهٔ مسیح در حضور خدا داریم. ^۵ در خود لیاقت این را نمی‌بینیم که بگوییم ما صلاحیت انجام چنین کاری را داشته‌ایم بلکه لیاقت ما از جانب خداست. ^۶ او ما را لایق دانست که خدمتگار عهد جدید باشیم. این عهد یک سند نوشته شده نیست بلکه از روح مقدس است، زیرا شریعت نوشته شده، انسان را به مرگ می‌کشاند، اما روح مقدس زندگی می‌بخشد.

^۷ اگر شریعتی که بر سنگ نوشته شده بود و به مرگ می انجامید، با چنان شکوهی شروع شد که قوم اسرائیل به خاطر نوری که از صورت موسی می درخشید، نتوانستند به چهره او نگاه کنند، هر چند آن نور رفته رفته ناپدید می شد،^۸ پس چقدر بیشتر، خدمتی که به واسطه روح مقدس خداست با شکوه تر خواهد بود!^۹ زیرا اگر شریعتی که به محکومیت می انجامید با شکوه بود، چقدر بیشتر خدمتی که به عادل شمرده شدن می انجامد با شکوه تر خواهد بود!^{۱۰} در واقع می توان گفت که شکوه اول، درخشش خود را در برابر شکوه و جلال دوم از دست داده است.^{۱۱} اگر آنچه که ناپدید می گشت، دارای چنین شکوه و جلال بود، پس آنچه که دایمی است چقدر با شکوه و جلال بیشتر می باشد!

^{۱۲} از آنجایی که ما چنین امیدی داریم، با شجاعت سخن می گوئیم.^{۱۳} ما مانند موسی نیستیم که نقابی بر صورت خویش گذاشت تا قوم اسرائیل پایان آن شکوه زودگذر را نبینند.^{۱۴} اما ذهنهای آنها چنان تاریک شده است که تا به حال هنگامی که عهد عتیق را می خوانند، این نقاب را با خود دارند، چون این نقاب فقط به وسیله عیسای مسیح برداشته می شود.^{۱۵} حتی تا به امروز هر وقت آنها تورات موسی را می خوانند، آن نقاب ذهن شان را می پوشاند.^{۱۶} اما هرگاه کسی به خداوند روی آورد، آن نقاب برداشته می شود.^{۱۷} خداوند روح است و هر جا روح خداوند باشد، در آنجا آزادی است.^{۱۸} همه ما در حالی که با صورتهای بی نقاب مانند یک آینه، جلال خداوند را انعکاس می دهیم، رفته رفته در جلال روزافزون به صورت او تبدیل می شویم و این کار، کار خداوند یعنی روح مقدس است.

روشنایی بر تاریکی پیروز می گردد

^{۱۴} چون خدا از روی لطف خود این وظیفه را به ما داده است، امید خود را از دست نمی دهیم.^۲ ما از همه روشهای پنهانی و شرم آور دوری نموده ایم. با فریبکاری رفتار نمی کنیم و پیام خدا را تغییر نمی دهیم بلکه حقیقت را به طور روشن بیان می نماییم و می کوشیم تا در

حضور خدا مورد تأیید وجدان همهٔ مردم باشیم.^۳ حتی اگر این خبرخوش را که موعظه می‌کنیم پوشیده باشد، فقط برای کسانی پوشیده است که در راه هلاکت هستند.^۴ شیطان که سردار این دنیاست، افکار آنها را کور کرده است تا خبرخوش و پُرشکوه عیسای مسیح را که تصویر خدای نادیده است، نبینند.^۵ ما در مورد خود موعظه نمی‌کنیم بلکه اعلام می‌کنیم که عیسای مسیح خداوند است و ما به خاطر او خدمتگاران شما هستیم.^۶ زیرا همان خدایی که فرمود: «روشنایی از میان تاریکی بدرخشد»، نور خود را در قلبهای ما گذاشت تا شناخت جلال خدا در چهرهٔ عیسای مسیح برای ما نمایان شود.

گنج روحانی در کوزه‌های گلی

^۷ با وجود این، ما چنین گنجی در کوزه‌های گلی خود داریم تا معلوم گردد که آن قدرت بزرگ از ما نیست بلکه از خداست.^۸ ما از هر طرف تحت فشار هستیم ولی خود را از دست نمی‌دهیم، دچار شک و تردید می‌شویم اما تسلیم ناامیدی نمی‌گردیم.^۹ آزار می‌بینیم اما هیچ وقت تنها نیستیم. به زمین می‌خوریم، ولی نابود نمی‌شویم.^{۱۰} بدنهای فانی ما داغ مرگ عیسی را داریم با خود دارند تا زندگی عیسی در بدنهای ما نیز ظاهر شود.^{۱۱} در تمام زندگی همیشه به خاطر عیسی به مرگ تسلیم می‌شویم تا زندگی عیسی در جسم فانی ما ظاهر شود.^{۱۲} پس ما با مرگ روبرو می‌شویم، اما این باعث زندگی جاویدان در شما می‌گردد.

^{۱۳} در کتاب مزامیر نوشته شده است: «چون ایمان داشتیم، سخن گفتم.» ما نیز سخن می‌گوییم، چون همان ایمان را داریم.^{۱۴} زیرا می‌دانیم همان خدایی که عیسای مسیح را پس از مرگ زنده گردانید ما را نیز با عیسی زنده خواهد ساخت و همراه با شما در حضور خود خواهد آورد.^{۱۵} همهٔ این چیزها به خاطر شماس است تا به هر اندازه‌ای که فیض خدا شامل حال مردم بیشتری می‌گردد، شکر و سپاس برای جلال خدا نیز زیادتر شود.

زندگی پُر از امید

^{۱۶} بنابراین امید خود را از دست نمی‌دهیم. اگرچه وجود ظاهری ما رفته‌رفته از بین می‌رود ولی وجود روحانی ما روز به روز تازه‌تر می‌شود. ^{۱۷} این رنج و زحمت ناچیز و زودگذر، جلال عظیم و بی‌پایانی را برای ما فراهم می‌کند که با این دردها غیرقابل مقایسه است. ^{۱۸} پس ما به چیزهای نادیدنی چشم دوخته‌ایم نه به چیزهای دیدنی، زیرا آنچه به چشم می‌آید فانی است، ولی چیزهای نادیدنی ابدی هستند.

خانه‌ای ابدی ما در آسمان

^{۱۵} ما می‌دانیم وقتی این خیمهٔ زمینی که در آن به سر می‌بریم، یعنی این بدن فانی ما از بین برود، خدا خانه‌ای ابدی که به دست انسان ساخته نشده، در آسمان برای ما فراهم می‌کند. ^۲ ما در این خیمهٔ زمینی در آه و ناله هستیم و اشتیاق فراوان داریم که به خانهٔ آسمانی خود پناه ببریم، ^۳ تا در پناه آن پوشش آسمانی، دیگر برهنه نباشیم. ^۴ تا زمانی که در این خیمه به سر می‌بریم، زیر فشارهای سنگین ناله می‌کنیم، زیرا نمی‌خواهیم جسم خاکی خود را از دست بدهیم بلکه برعکس می‌خواهیم پوشش آسمانی به تن کنیم تا آنچه که فانی است در زندگی ابدی غرق گردد. ^۵ خدا ما را برای همین منظور آماده ساخته است و روح مقدس خود را به عنوان ضمانت وعده‌های خود به ما عطا کرده است.

^۶ پس ما همیشه خاطر جمع هستیم زیرا می‌دانیم تا زمانی که در این بدن ساکن هستیم، از حضور خداوند دور هستیم. ^۷ ما با ایمان زندگی می‌کنیم، نه با آنچه می‌بینیم. ^۸ بلی، ما خاطر جمع هستیم و ترجیح می‌دهیم که این خیمهٔ زمینی را ترک کرده و با خداوند در خانهٔ آسمانی زندگی نماییم. ^۹ بنابراین بیش از همه چیز خوشنودی خداوند را می‌طلبیم، چه در اینجا باشیم و چه در آنجا. ^{۱۰} زیرا که همهٔ ما باید روزی در مقابل تخت داوری عیسی مسیح حاضر شویم تا مطابق آنچه که با

بدن خود کرده‌ایم، چه نیک و چه بد، پاداش و یا جزا یابیم.

دوستی با خدا به وسیلهٔ مسیح

^{۱۱} چون می‌دانیم که معنای ترس از خداوند چیست، پس می‌خواهیم که دیگران را هم قناعت دهیم. خدا ما را به طور کامل می‌شناسد و امیدواریم که شما هم از صمیم قلب ما را شناخته باشید. ^{۱۲} ما نمی‌خواهیم بار دیگر از خود توصیف کنیم بلکه می‌خواهیم دلیلی به شما بدهیم که به ما افتخار کنید تا بتوانید جواب کسانی را بدهید که به ظاهر یک شخص افتخار می‌کنند نه به باطن او. ^{۱۳} اگر بعضی می‌گویند که ما عقل خود را از دست داده‌ایم، این برای جلال خداست ولی اگر عاقل هستیم، این برای فایدهٔ شماست! ^{۱۴} زیرا محبت مسیح حاکم بر تمام افکار و اعمال ماست، چون یقین داریم که یک نفر به خاطر همهٔ انسانها جان خود را فدا کرد و از این خاطر همه در مرگ او مُردند. ^{۱۵} او برای همه جان خود را فدا کرد تا آنهایی که زنده‌اند، دیگر برای خود زندگی نکنند بلکه برای آن کسی زندگی نمایند که به خاطر آنها مُرد و دوباره زنده شد.

^{۱۶} بنابراین دربارهٔ هیچ‌کس با معیارهای انسانی قضاوت نمی‌کنیم، هر چند قبلاً ما چنین قضاوتی دربارهٔ مسیح داشتیم ولی دیگر چنین قضاوتی نداریم. ^{۱۷} کسی که به مسیح می‌پیوندد خلقت جدید است، هرآنچه کهنه بود درگذشت، اینک همه چیز نو شده است. ^{۱۸} همهٔ این برکتها از طرف خداست که به وسیلهٔ مسیح ما را با خود آشتی داده و به ما وظیفه داد تا دیگران را با او آشتی دهیم. ^{۱۹} به عبارت دیگر، خدا گناهان انسان را به حساب نیاورد بلکه به وسیلهٔ مسیح با دنیا آشتی نمود و رسانیدن این پیام آشتی را به ما سپرد.

^{۲۰} پس ما سفیران مسیح هستیم چنان‌که خدا از زبان ما، شما را به آشتی می‌طلبد. پس ما به عنوان سفیران مسیح از شما التماس می‌کنیم که با خدا آشتی کنید. ^{۲۱} مسیح کاملاً بیگناه بود ولی خدا تمام گناهان ما را بر دوش او گذاشت تا ما در پیوسته‌گی با او از جانب خدا عادل شمرده شویم.

۶ پس ما که در کارهای خدا سهیم هستیم، از شما خواهش می‌کنیم آن فیض خدا را که یافته‌اید، نگذارید که در زندگی شما بیهوده بماند،^۲ زیرا خداوند می‌فرماید:

«در وقت مساعد تقاضای تو را می‌پذیرم،

و در روز نجات، تو را کمک می‌کنم.»

خوب توجه کنید! اکنون وقت مساعد فرارسیده و همین امروز، روز نجات است!

پولس رنج و مشکلات را تحمل می‌کند

^۳ ما به هیچ صورت نمی‌خواهیم باعث لغزش کسی شویم، مبادا عیبی در خدمت ما یافت شود
^۴ بلکه می‌خواهیم با هر کاری که می‌کنیم نشان دهیم که خدمتگاران حقیقی خدا هستیم و با
بردباری، رنجها، سختی‌ها و مشکلات را تحمل می‌کنیم.^۵ ما در شکنجه‌ها، زندانی شدن‌ها،
شورشها، کارهای شاقه، بیخوابی‌ها و گرسنه‌گی‌ها پایداری می‌کنیم.^۶ همچنان با خلوص نیت،
معرفت، صبر و مهربانی نشان می‌دهیم که خدمتگاران خدا هستیم. تمام این کارها را با کمک
روح مقدس و با محبت بی‌ریا،^۷ با اعلام پیام حقیقت و با قدرت خدا انجام می‌دهیم. یگانه
اسلحه ما در دفاع و حمله، عدالت است.^۸ گاه مورد احترام هستیم و گاهی بی‌احترامی می‌بینیم.
گاه مورد نفرین و گاهی مورد ستایش قرار می‌گیریم. ما را اشخاص گمراه‌کننده می‌شمارند در
حالی که حقیقت را می‌گوییم.^۹ گمنام ولی در عین حال مشهور هستیم. به حال مرگ افتادیم ولی
هنوز زنده هستیم. ما شکنجه می‌شویم ولی به دست مرگ سپرده نمی‌شویم.^{۱۰} غمگین هستیم ولی
پیوسته شادمانیم. ما فقیر هستیم ولی در عین حال بسیاری را ثروتمند می‌سازیم. چیزی نداریم
اما صاحب همه چیز هستیم.

^{۱۱} ای ایمانداران شهر قرنتس! ما به طور واضح با شما سخن گفتیم و دل‌های خود را برای شما
باز کردیم.^{۱۲} ما محبت خود را از شما دریغ نمی‌داریم بلکه این شما هستید که محبت خود را از

ما دریغ می‌دارید. ^{۱۳} اکنون با شما همچون فرزندانم سخن می‌گویم. پس همان احساس و محبتی را که ما در برابر شما داریم به ما نشان دهید.

ما ایمانداران، خانه‌خدا هستیم

^{۱۴} از وابسته‌گی‌های نامناسب با اشخاص بی‌ایمان دوری کنید، زیرا چه پیوندی بین نیکی و بدی وجود دارد و چه رابطه بین روشنایی و تاریکی است؟ ^{۱۵} چه توافقی میان مسیح و شیطان می‌تواند وجود داشته باشد و چه مشارکتی بین یک ایماندار و شخص بی‌ایمان؟ ^{۱۶} و یا چه رابطه بین خانه‌خدا و بُتها است؟ زیرا ما ایمانداران، خانه‌خدای زنده هستیم، چنان‌که خدا فرموده است:

«من در بین ایشان ساکن خواهم شد

و در میان آنها به سر خواهم بُرد.

من خدای ایشان خواهم بود

و آنها قوم برگزیده من.»

^{۱۷} خداوند قادر مطلق همچنان می‌فرماید:

«از میان آنها خارج شوید،

و خود را از آنها جدا سازید،

و به چیزهای ناپاک دست نزنید،

و من شما را خواهم پذیرفت.

و شما پسران و دختران من خواهید بود.»

۷ ای عزیزان! این وعده‌ها برای ماست، پس باید خود را از هر چیزی که جسم و روح ما را آلوده می‌سازد، پاک کنیم و با خداترسی، خود را کاملاً به خدا تسلیم نماییم.

شادمانی پولس

۲ ما را در قلبهای خود جا دهید. ما به هیچ‌کس بدی نکرده‌ایم، ما اخلاق کسی را فاسد نساخته‌ایم و هیچ‌کس را فریب نداده‌ایم. ۳ سخنان من برای ملامت کردن شما نیست، زیرا چنان‌که قبلاً گفته بودم، شما آنقدر برای ما عزیز هستید که در مرگ و زندگی با شما خواهیم بود. ۴ من به شما بسیار اطمینان دارم و افتخار می‌کنم. بنابراین، با وجود همه مشکلات، من دلگرمی و خوشی زیادی دارم.

۵ وقتی به ولایت مقدونیه رسیدیم، نتوانستیم برای رفع خسته‌گی خود کمی استراحت کنیم زیرا از هر طرف دچار زحمت شده بودیم. با دیگران در مبارزه بودیم و در دل خود ترس داشتیم. ۶ اما خدا که به دل شکسته‌گان آسایش می‌دهد، با آمدن تیطوس به ما هم دلگرمی بخشید. ۷ تنها آمدن او نبود که ما را خوشحال ساخت بلکه گزارش از دلگرمی شما به او، نیز ما را شاد ساخت. او در مورد اشتیاق‌تان برای دیدارم صحبت کرد و برایم گفت که شما از کارتان پشیمان بوده و حال از من دفاع می‌کنید. شنیدن این گزارشها مرا زیادتر خوشحال ساخت.

۸ با این که نامه من شما را آزرده ساخت اما از نوشتن آن پشیمان نیستم. اگرچه وقتی دیدم آن نامه برای زمان کوتاهی باعث آزرده‌گی شما شده بود، تا مدتی از نوشتن آن پشیمان شده بودم. ۹ اما حالا خوشحال هستم، نه به‌خاطری این که آزرده شده بودید بلکه چون آزرده‌گی‌تان باعث

توبه شد. زیرا آزرده‌گی تان مطابق اراده‌ی خدا بود تا هیچ ضرری از ما به شما نرسد.^{۱۰} آن آزرده‌گی که از طرف خداست، باعث توبه می‌گردد تا نجات یابیم و هیچ پشیمانی به دنبال ندارد اما برعکس آزرده‌گی دنیوی باعث مرگ می‌شود.^{۱۱} ببینید، آن آزرده‌گی را که مطابق اراده‌ی خدا تحمل کرده‌اید، این صفات نیکو را در شما به وجود آورده است. این صفات چه شور و شوقی، چه اشتیاقی در دفاع از بیگناهی خویش، چه ناراحتی در مقابل بی‌عدالتی‌ها، چه خداترسی، چه علاقه و غیرت برای مجازات خطاکاران! شما نشان دادید که در تمام این کارها بی‌تقصیر هستید.

^{۱۲} من آن نامه را به خاطر آن شخص که بدی کرده و یا آن کسی که به او بدی شده، نوشتم بلکه تا در حضور خدا اشتیاق شما نسبت به ما، برای خودتان آشکار شود.^{۱۳} همه‌ی این چیزها به ما دلگرمی بخشید، نه تنها این بلکه دیدن خوشی تیطوس، بیشتر ما را خوشنود ساخت، زیرا شما همه باعث آرامش روحی او گردیده بودید.^{۱۴} من پیش او به شما افتخار کردم و شما آبروی مرا حفظ کردید. همان‌طور که همه سخنان ما درباره‌ی شما راست بود، افتخار ما نیز نسبت به شما پیش تیطوس به حقیقت پیوست.^{۱۵} هر وقت که او اطاعت شما و آن ترس و لرزی را که در زمان ملاقات با او نشان دادید، به یاد می‌آورد، محبتش نسبت به شما بیشتر می‌شود.^{۱۶} من چقدر خوشحالم که می‌توانم در هر کاری به شما اعتماد کنم.

مهربانی و سخاوتمندی مسیحی

۸ ^۱ ای برادران و خواهران، اکنون می‌خواهیم شما را از فیضی که خدا به کلیساهای مقدونیه عطا کرده است، آگاه سازیم.^۲ آنها با زحماتی که دیده‌اند، سخت آزموده شده‌اند و با وجود این که بسیار فقیر بودند، از خوشی فراوان پُر شده‌اند و نتیجه‌ی این خوشی، سخاوتمندی بی‌اندازه‌ی آنها بود.^۳ من خود شاهد هستم که آنها تا اندازه‌ای که توان داشتند و حتی بیشتر از توان خود به دیگران کمک کردند.^۴ آنها پیهم اصرار می‌نمودند و از ما خواهش می‌کردند که در کمک مالی

به ایمانداران شریک شوند.^۵ این کارشان بیشتر از توقع ما بود، زیرا اول خود را به خداوند تسلیم کردند و پس از آن طبق ارادهٔ خدا، خود را در اختیار ما گذاشتند.^۶ پس ما از تیطوس که کار جمع‌آوری این کمک را در میان شما شروع کرده بود، خواستیم که آن را به پایان برساند.^۷ چنان‌که شما در هر امر دیگری از قبیل ایمان، سخرنانی، درک دانش الهی، سعی و تلاش و محبت نسبت به ما فوق‌العاده عمل کرده‌اید، باید در این امر خیر نیز سخاوتمندانه عمل کنید.

^۸ این را به شما حکم نمی‌کنم، بلکه می‌خواهم خالص بودن محبت‌تان را در مقایسه با شوق و علاقهٔ دیگران سنجش کنم.^۹ شما می‌دانید که سرور ما عیسای مسیح چقدر بخشنده بود. با آن که دولت‌مند بود اما به خاطر شما خود را فقیر ساخت تا از فقر او شما دولت‌مند شوید.

^{۱۰} پس نظر خود را در این مورد بیان می‌کنم که شما اولین کسانی بودید که در یک سال پیش نه تنها علاقه‌مند کمک به دیگران بودید بلکه در عمل این کار را انجام دادید. اکنون به فایدهٔ شماست که به این کار ادامه دهید و آن را تمام کنید.^{۱۱} آن زمان بسیار می‌خواستید که این کار را انجام دهید و اکنون مطابق علاقهٔ خود به اندازهٔ توان‌تان این کار را به پایان برسانید.^{۱۲} اگر کسی واقعاً می‌خواهد کمک کند، خدا هدیهٔ مالی او را نسبت به آنچه دارد می‌پذیرد، نه مطابق آنچه ندارد.

^{۱۳-۱۴} مقصودم این نیست که دیگران از این بار، شانه خالی کنند و شما بار ایشان را به دوش بگیرید. بلکه می‌خواهم آنچه را که شما به فراوانی دارید، برای کسانی بدهید که نیازمند هستند. تا اگر روزی شما نیازمند شوید، چیزهایی را که آنها به فراوانی دارند، به شما بدهند و به این‌گونه مساوات برقرار می‌شود.^{۱۵} چنان‌که در تورات نوشته شده است: «کسانی که بیشتر جمع کرده بودند اضافه نداشتند و آنهایی که کمتر جمع کرده بودند چیزی کم نداشتند.»

^{۱۶} خدا را شکر می‌کنیم که در دل تیطوس همان شوق را ایجاد کرده است که ما برای کمک به شما داریم.^{۱۷} او نه تنها درخواست ما را قبول کرد، بلکه با شوق و ذوق خود می‌خواست نزد

شما بیاید. ^{۱۸} ما همراه او برادری را می فرستیم که تمام کلیساها از او به خاطر بشارت دادن خبرخوش عیسیای مسیح قدردانی می کنند. ^{۱۹} همچنان او از طرف کلیساها انتخاب شده تا همسفر ما باشد و این کار خیر را برای جلال خدا با هم انجام داده و خیرخواهی خدمت خویش را نیز نشان دهیم.

^{۲۰} ما بسیار مراقب هستیم که خدمت ما در جمع آوری این کمکهای سخاوتمندانه شما مورد انتقاد کسی قرار نگیرد. ^{۲۱} پس مقصد ما این است که نه تنها در نظر خداوند بلکه در نظر مردم هم آنچه را درست است، انجام دهیم.

^{۲۲} همچنان همراه با آنها یکی از برادران را می فرستیم که اشتیاق او برای کمک کردن از راههای مختلف بر ما ثابت گردیده است. او اکنون به خاطر اطمینان زیادی که به شما دارد، بیش از پیش مشتاق دیدار و کمک نمودن به شماست. ^{۲۳} درباره تیطوس باید یادآور شوم که او یار و همکار من برای کمک به شماست. همچنان درباره ایمانداران دیگری که می آیند، باید بگویم، آنها نماینده گان کلیساها و مایه جلال مسیح هستند. ^{۲۴} پس محبت خود را در عمل به آنها ثابت کنید و نشان دهید که افتخار ما به شما بی اساس نیست، تا همه کلیساها ببینند.

کمک مالی به ایمانداران نیازمند

^۱ ^۹ در واقع هیچ نیازی نیست که درباره کمک مالی به ایمانداران، برای شما چیزی بنویسم. ^۲ زیرا می دانم که شما خود اشتیاق دارید که چنین کمکی را بکنید. من نزد مردم مقدونیه از شما تعریف کرده ام و گفته ام که برادران ما در جنوب یونان از یک سال پیش آماده این کمک بوده اند و این علاقه مندی شما، عده زیادی از آنها را تشویق نموده است. ^۳ اکنون این برادران را نزد شما می فرستم تا توصیفی را که در این موضوع از شما کرده ام، سخنان بی معنی نباشد بلکه همان طور که من به ایشان گفته ام، آماده کمک به آنها باشید. ^۴ اگر اهالی مقدونیه همراه من بیایند و ببینند که پس از آن همه اعتمادی که به شما داشتم، شما آماده کمک نیستید، نه تنها من

بلکه خود شما هم نزد آنها شرمنده خواهید شد.^۵ پس لازم دانستم که از این برادران بخواهم که قبل از من نزد شما بیایند و هدیه‌هایی را که شما وعده کرده بودید، پیش از پیش آماده سازند تا وقتی به آنجا می‌رسم همه چیز آماده باشد و معلوم شود که کمک شما از روی علاقه بوده است، نه از روی مجبوریت.

^۶ به یاد داشته باشید، کسی که دانه کم بکار محصول کم درو خواهد کرد و آن کسی که بسیار بکار محصول فراوان درو خواهد نمود.^۷ پس هرکس باید مطابق آنچه در دل خود تصمیم گرفته است، بدهد و نه از روی بی‌میلی و اجبار، زیرا خدا کسی را که با خوشی کمک مالی می‌کند، دوست دارد.^۸ خدا قادر است که هر نوع برکت را به شما عطا فرماید تا همیشه به اندازه کافی و حتی بیش از آن داشته باشید تا بتوانید با سخاوتمندی در کارهای نیکو بخشش کنید.^۹ چنان‌که در مزامیر نوشته شده است:

«شخصی که از روی سخاوتمندی به نیازمندان کمک می‌کند،

عدالتش تا به ابد پایدار است.»

^{۱۰} پس همان خدایی که دانه را برای دهقان و نان را برای خوردن فراهم می‌سازد، همچنان برای شما توانایی می‌بخشد و آن را چند برابر خواهد ساخت تا ثمر کارهای نیکوی شما فراوان باشد.^{۱۱} خدا شما را بسیار برکت می‌دهد تا شما از هر لحاظ سخاوتمند باشید و عده زیادی برای هدیه‌های شما که به وسیله ما دریافت کرده‌اند، از خدا شکرگزاری خواهند کرد.^{۱۲} پس این خدمت ما نه تنها نیازمندی‌های ایمانداران را رفع می‌کند، بلکه باعث آن می‌شود تا عده زیادی از خدا شکرگزاری کنند.^{۱۳} این خدمت شما دلیل بر ایمان شماست و مردم، خدا را برای آن شکر خواهند کرد، زیرا شما نه تنها به ایمان خود به خبرخوش مسیح اعتراف می‌کنید، بلکه آنها و دیگران را در آنچه دارید شریک می‌سازید.^{۱۴} آنها به خاطر فیض عظیم خدا که به شما عطا کرده است، با اشتیاق برای شما دعا خواهند کرد.^{۱۵} خدا را سپاس برای این هدیه بی‌اندازه

پولس رسول از رسالت خود دفاع می کند

۱۰ من خودم پولس، با فروتنی و ملایمت مسیح از شما درخواست می کنم. بلی، همان پولس که طبق گفته بعضی، پیش روی شما ضعیف ولی دور از شما جدی است.^۲ از شما التماس می کنم که مرا مجبور نسازید وقتی با شما می باشم، با جدیت رفتار کنم، چون تصمیم گرفتم در مقابل آنهایی که گمان می کنند ما با انگیزه های دنیوی عمل می کنیم، جدی باشم!^۳ با آن که با جسم خود در این دنیا زندگی می کنیم اما جنگ ما دنیوی نیست.^۴ اسلحه جنگ ما دنیوی نیست بلکه از طرف خدا قدرت دارد که هر مقاومتی را بشکند.^۵ ما هر نوع دلیل و ادعای تکبرآمیز را که در مقابل شناخت خدا قرار بگیرد، از بین می بریم و هر فکری را تحت فرمان مسیح در می آوریم.^۶ زمانی که اطاعت شما کامل شود، آن وقت کسانی را که نافرمانی می کنند، مجازات خواهیم کرد.

۷ شما تنها به شکل ظاهری می بینید. اگر کسی اطمینان دارد که متعلق به مسیح است، او باید در نظر داشته باشد که ما نیز به همان اندازه متعلق به مسیح هستیم.^۸ پس اگر من درباره اختیاراتی که خدا به من داده است، بیش از اندازه به خود افتخار کرده باشم، پشیمان نیستم. زیرا خدا این اختیار را برای تشویق شما به من داده است، نه برای ویرانی تان.^۹ من نمی خواهم که چنین به نظر آید که گویا هدف من این است که با نامه هایم شما را بترسانم.^{۱۰} بعضی می گویند: «نامه های او سخت و جدی، ولی حضورش ضعیف و سخنانش بی ارزش است.»^{۱۱} این اشخاص باید بدانند که آنچه را از دور به وسیله نامه می نویسم، هر وقت بیایم همان را عملی خواهیم کرد.

۱۲ البته ما جرأت نمی کنیم که خود را با آدمهای خودخواه در یک سطح قرار دهیم و یا مقایسه کنیم! وقتی آنها خود را با همدیگر مقایسه می کنند و با یکدیگر می سنجند، نشان می دهند که

چقدر احمق هستند! ^{۱۳} ولی ما فقط در حدی افتخار می‌کنیم که خدا برای ما تعیین کرده است، آن حدی که خدمت به شما را نیز در برمی‌گیرد. ^{۱۴} ما از حد خود تجاوز نکرده‌ایم، گویی این که هرگز نزد شما نیامده باشیم زیرا ما اولین کسانی بودیم که خبرخوش مسیح را به شما رساندیم. ^{۱۵} ما به آنچه که دیگران در خارج از ساحهٔ وظیفه ما انجام داده‌اند، به خود افتخار نمی‌کنیم بلکه امیدواریم که ایمان شما رشد کند تا دامنهٔ خدمت ما وسیع‌تر شود. ^{۱۶} آنگاه خواهیم توانست خبرخوش را در جاهایی که در آن سوی سرزمین شماست، اعلام نماییم. آن وقت لازم نیست که ما به کاری فخر کنیم که قبلاً شخصی دیگری آن را انجام داده است.

^{۱۷} چنان که نوشته شده است: «هرکسی بخواهد افتخار کند، تنها باید به خداوند افتخار کند.» ^{۱۸} بنابراین کسی که خودستایی کند، پذیرفته نمی‌شود بلکه فقط کسی که مورد پسند خدا باشد.

پولس دربارهٔ رسولان جعلی هشدار می‌دهد

۱ | امیدوارم از سخنان من که به گفتهٔ بعضی تا اندازه‌ای احمقانه است ناراحت نشوید. خواهش می‌کنم آن را تحمل کنید! ^۲ غیرتی که من نسبت به شما دارم، غیرت خدایی است، زیرا من شما را به عنوان یک دختر پاک دامن به عقد مسیح در آورده، به او تقدیم نمودم. ^۳ اما می‌ترسم همان‌طور که حوا به وسیلهٔ زیرکی شیطان فریب خورد، افکار شما نیز از صمیمیت خالصی که به عیسای مسیح دارید، منحرف شود. ^۴ زیرا اگر کسی پیش‌تان بیاید و به شما عیسای دیگری را جز آن که ما به شما معرفی کردیم، اعلام کند، شما آن را باور می‌کنید. همچنان اگر روحی متفاوت با آن روح مقدس که دریافت کردید یا خبرخوش، غیر از آنچه از ما شنیدید به شما اعلام کند، به آسانی آن را می‌پذیرید.

^۵ گمان نمی‌کنم من از آن رسولان عالی مقام شما کمتر باشم! ^۶ اگرچه شاید سخنگوی خوبی نباشم، اما می‌دانم که دربارهٔ چه سخن می‌گویم. این همه را برای تان در هر فرصت واضح ساخته‌ام.

^۷ من خبرخوش خدا را به طور رایگان به شما رساندم و خود را حقیر ساختم تا شما سربلند شوید. آیا من با این کار مرتکب گناه شده‌ام؟^۸ من با پذیرفتن کمک مالی، کلیساهای دیگر را به اصطلاح غارت کردم تا بتوانم به شما به طور رایگان خدمت کنم.^۹ وقتی با شما بودم، با وجود این که به پول احتیاج داشتم، بار دوش هیچ‌یک از شما نشدم، بلکه وقتی برادران از مقدونیه آمدند، ضرورت‌های مرا رفع نمودند. من هرگز بار دوش شما نشدم و در آینده نیز نخواهم شد.^{۱۰} به آن حقیقت مسیح که در زندگی من است، می‌گویم که هیچ‌کس نمی‌تواند مانع فخر من در تمام جنوب یونان شود!^{۱۱} آیا این کار را به‌خاطر آن می‌کنم که شما را دوست ندارم؟ نه، خدا می‌داند که شما را دوست دارم.

^{۱۲} به کاری که انجام می‌دهم ادامه خواهم داد تا ادعای کسانی را که افتخار می‌کنند که کارشان با ما یکسان است، نادرست ثابت نمایم.^{۱۳} زیرا آنها رسولان جعلی و خادمان فریبکاری هستند که خود را به شکل رسولان مسیح درآورده‌اند.^{۱۴} این چیز عجیبی نیست، شیطان هم خود را به صورت فرشته نور در می‌آورد.^{۱۵} پس اگر خادمان شیطان، خود را خادمان عدالت جلوه دهند، جای تعجب نیست. در عاقبت مطابق به اعمال‌شان جزا خواهند یافت.

پولس رنجها را تحمل می‌کند

^{۱۶} باز هم تکرار می‌کنم، هیچ‌کس مرا احمق فکر نکند، ولی اگر شما در باره من این طور فکر می‌کنید، پس اقلاً مرا مانند یک احمق بپذیرید تا من هم بتوانم کمی به خود فخر کنم.^{۱۷} حال از روی غرور و مانند یک آدم احمق از خود توصیف می‌کنم، نه مانند یک پیرو مسیح.^{۱۸} چون بسیاری به امتیازات دنیوی خویش فخر می‌کنند، من هم می‌خواهم به امتیازات خود فخر کنم.^{۱۹} شما چقدر بافهم هستید که می‌توانید با خوشی اشخاص نافهم را تحمل کنید!^{۲۰} اگر کسی شما را به برده‌گی کشیده یا از شما بهره‌برداری کرده و سوءاستفاده کند و یا این که شما را حقیر شمرده و به روی تان سیلی بزند، او را به خوبی تحمل می‌کنید.^{۲۱} با شرمساری باید بگویم که ما ضعیفتر از آن بودیم که بتوانیم این کارها را انجام دهیم!

اما اگر کسی جرأت کند که به چیزی افتخار کند، من هم جرأت می‌کنم به آن افتخار کنم. اگرچه این سخن را مانند یک احمق می‌گویم.^{۲۲} آیا آنها عبرانی‌اند؟ من هم هستم. آیا آنها مردم اسرائیل‌اند؟ من هم هستم. آیا آنها از نسل ابراهیم‌اند؟ من هم هستم.^{۲۳} آیا آنها خادمان مسیح‌اند؟ من بیش از آنها، مسیح را خدمت کرده‌ام. باز همان‌گونه احمقانه حرف زدم. من بیش از آنها زحمت کشیده‌ام و بارها در زندان بوده‌ام. بسیار لت و کوب شده‌ام و چندین بار با مرگ روبرو شده‌ام.^{۲۴} یهودیان مرا پنج بار و هر بار سی و نه ضربه شلاق زدند،^{۲۵} و سه بار از رومیان چوب خوردم و یکبار هم سنگسار شدم. سه بار کشتی‌ام شکسته و غرق شد و یک شب و یک روز در امواج بحر سرگردان بودم.^{۲۶} در مسافرت‌های خود با خطرهای فراوان روبرو شدم مانند خطر سیل و راهزنان، خطر از دست یهودیان و غیریهودیان، خطر در شهر، بیابان و بحر و خطر از برادران دروغین.^{۲۷} من متحمل سختی، زحمت، بی‌خوابی، گرسنگی و تشنه‌گی فراوان شده‌ام و بسیاری وقت بدون خوراک و لباس کافی، سرمای سخت را تحمل کرده‌ام.^{۲۸} علاوه بر همه اینها، احساس مسئولیت برای همه کلیساها، باری است که شب و روز بر دوش من است.^{۲۹} کسی که ضعیف می‌شود در واقع من نیز با او ضعیف می‌شوم و اگر کسی لغزش بخورد من نیز در غم او می‌سوزم.

^{۳۰} اگر مجبورم افتخار کنم، به آن چیزهایی فخر خواهم کرد که ضعف مرا نشان می‌دهند.^{۳۱} خدا، پدر سرور ما عیسیای مسیح می‌داند که من دروغ نمی‌گویم. تا به ابد به نام او سپاس باد.^{۳۲} وقتی در شهر دمشق بودم، والی آنجا که از طرف حارث پادشاه به این مقام منصوب شده بود، فرمان داد که نگهبانان شهر مرا دستگیر کنند.^{۳۳} اما به وسیله سبیدی، از پنجره‌ای که در دیوار شهر بود، مرا پایین کردند و از دست او فرار کردم.

رؤیاهای پولس و خار جسم او

۱۲^۱ باید به افتخارات خود ادامه بدهم، حتی اگر هیچ فایده‌ای نداشته باشد. می‌خواهم

درباره رؤیاها و مکاشفه‌هایی که خداوند به من عطا کرده است، صحبت کنم.^۲ من شخصی را که به مسیح ایمان دارد می‌شناسم که چهارده سال پیش به عرش برین برده شد. این که آیا به شکل جسمانی یا روحانی بود، نمی‌دانم، بلکه خدا می‌داند.^{۳-۴} فقط می‌دانم که این مرد به بهشت برده شد. باز هم نمی‌دانم به شکل جسمانی یا روحانی، خدا می‌داند. چیزهایی که شنید آنقدر مقدس و محرمانه است که بیان آنها جایز نیست.^۵ من به چنین شخصی افتخار می‌کنم. اما درباره خود، جز به ضعف‌هایم به چیزی دیگر افتخار نخواهم کرد.^۶ اگر به خود هم افتخار کنم، سخن احمقانه‌ای نگفته‌ام بلکه واقعیت را بیان کرده‌ام. اما چنین کاری نخواهم کرد تا مبادا کسی بیش از آنچه در من می‌بیند یا از من می‌شنود، برای من ارزش قائل شود.

^۷ برای این که مکاشفه‌های عظیمی را که دیده‌ام مرا مغرور نسازد، بیماری دردناکی همچون خار در جسم به من داده شد که مانند قاصدی از طرف شیطان مرا بکوبد تا مبادا مغرور شوم.^۸ سه بار از خداوند درخواست کردم که مرا از این درد رهایی بخشد.^۹ اما خداوند فرمود: «فیض من برای تو کافی است، زیرا قدرت من در ضعف تو کامل می‌گردد.» پس با خوشی زیاد به ضعف خود افتخار می‌کنم تا قدرت مسیح مرا فراگیرد.^{۱۰} بنابراین من به خاطر عیسای مسیح، ضعفها، بی‌حرمتیها، سختی‌ها، آزارها و مشکلات را با آغوش باز می‌پذیرم، زیرا در هنگام ناتوانی، قوی هستم.

نگرانی پولس رسول برای کلیسای شهر قرنتس

^{۱۱} من مانند یک احمق خودستایی می‌کنم، زیرا شما مجبورم ساختید که چنین کنم. در حالی که شما باید از من تعریف و توصیف می‌کردید، اگرچه هیچ‌کاره هم باشم، باز هم از آنهایی که شما به عنوان رسولان عالی مقام قبول کرده‌اید، کمتر نیستم.^{۱۲} من با بردباری در میان شما معجزه‌ها، نشانه‌های شگفت‌انگیز و کارهای فوق‌العاده انجام دادم تا ثابت نمایم که رسول برحق هستم.^{۱۳} در مقایسه با طرز رفتار من با دیگر کلیساها، چه کوتاهی در حق شما شد؟ من حتی خرج زندگی خود را هم از شما نگرفته‌ام. برای این بدی که در حق شما کردم، مرا ببخشید!

^{۱۴} اکنون سومین بار است که آماده می شوم تا نزد شما بیایم اما نمی خواهم که بار دوش شما باشم، زیرا من شما را می خواهم، نه پولتان را! فرزندان نباید برای والدین خود پس انداز کنند بلکه والدین باید در فکر فرزندان خود باشند.^{۱۵} من خوشحال می شوم که تمام اموال و حتی جان خود را برای کمک به شما بدهم. اگر من شما را این قدر دوست دارم، آیا شایسته است که شما مرا کمتر دوست داشته باشید؟

^{۱۶} شما خوب می دانید که من هیچگاه بار دوش شما نبوده ام اما بعضی از شما می گویند که پولس بسیار چالاک بود و با حيله ما را فریب داد.^{۱۷} آیا من به وسیله کسانی که نزد شما فرستادم، چیزی از شما دریافت کردم؟^{۱۸} من از تیطوس خواهش کردم تا نزد شما بیاید و آن برادر دیگر را با او فرستادم. آیا تیطوس از شما چیزی گرفت؟ آیا ما نیز به همین شیوه رفتار نکردیم و در یک راه قدم نگذاشتیم؟

^{۱۹} شاید گمان کنید که ما در طول این مدت کوشش کرده ایم تا در برابر شما از خود دفاع کنیم. به هیچ وجه! ما در حضور خدا و در اتحاد با مسیح سخن می گوئیم. دوستان عزیز، هرچه می کنم برای تقویت شماست.^{۲۰} ترس من از این است که وقتی نزد شما بیایم، شما را غیر از آنچه که می خواهم بیابم، و شما نیز مرا غیر از آنچه که می خواهید بیابید! بلی، می ترسم که در آنجا با نزاع، حسادت، تُدخویی، خودخواهی، بدگویی، سخن چینی، خودپسندی و بی نظمی روبرو شوم.^{۲۱} من می ترسم که وقتی نزد شما بیایم، خدا آبرویم را در حضور شما ببرد و من برای کسانی که گناه کرده اند و از ناپاکی و بداخلاقی جنسی و شهوترانی خود توبه نکرده اند، اشک بریزم.

آخرین هُشدارها و سلامها

۱۳ ^۱ این بار سوم است که من به ملاقات شما می آیم. چنان که در تورات نوشته شده است «هر ادعایی به زبان دو یا سه شاهد قابل تأیید است.»^۲ همان گونه که در دومین دیدار خود گفته بودم، اکنون که از شما دور هستم، بار دیگر می خواهم به شما و به همه اشخاص دیگری که در

گذشته مرتکب گناه شده‌اند، هُشدار دهم که این بار هیچ‌یک از شما نمی‌تواند از تنبیه من فرار کند.^۳ زیرا شما دنبال ثبوت می‌گردید که عیسیای مسیح به وسیلهٔ من سخن می‌گوید. او در رابطهٔ خود با شما ضعیف نیست بلکه قدرت خود را در میان شما نشان می‌دهد.^۴ هر چند در ضعف بر روی صلیب گشته شد ولی با قدرت خدا زندگی می‌کند. ما نیز مانند او از نظر جسمانی ضعیف هستیم اما با قدرت خدا در مسیح زیست می‌کنیم تا شما را خدمت کنیم.

^۵ خود را امتحان کنید تا بفهمید ایمانی که دارید، ایمان حقیقی است یا خیر. شما باید تا به این موقع دانسته باشید که عیسیای مسیح در شماست. مگر این که در امتحان ناکام شده باشید!
^۶ امیدوارم شما درک کرده باشید که ما در این امتحان ناکام نشده‌ایم!^۷ دعای ما در حضور خدا این است که شما از گناه دور باشید، نه برای این که خود را موفق نشان بدهیم بلکه تا شما آنچه را که درست است، انجام دهید، حتی اگر ما در نظر مردم، آدمهای ناکام حساب شویم.^۸ ما نمی‌توانیم بر ضد حقیقت قرار بگیریم بلکه فقط برای پیروزی حقیقت تلاش می‌کنیم.^۹ ما خوشحال هستیم که ضعیف می‌باشیم و شما قوی. ما دعا می‌کنیم تا شما کامل شوید.^{۱۰} علت نوشتن این چیزها در حالی که هنوز از شما دور هستیم این است که وقتی به آنجا برسیم، مجبور نباشم با جدیت با شما برخورد کنم، زیرا هر قدرت و اختیاری که خداوند به من بخشیده است، به فایدهٔ شماست نه به ضررتان.

^{۱۱} در خاتمه، ای ایمانداران، شاد باشید. برای رشد و تکامل‌تان بکوشید، یکدیگر را تشویق کنید، با یکدیگر همفکر باشید و در صلح و سلامتی بسر ببرید و خدا که سرچشمهٔ محبت و سلامتی است، با شما خواهد بود.^{۱۲-۱۴} با بوسهٔ مقدس به یکدیگر سلام گویند. تمام ایمانداران به شما سلام می‌رسانند. فیض خداوند ما عیسیای مسیح، محبت خدا و یاری روح مقدس با همهٔ شما باد.